

## مقاله پژوهشی: معناشناسی و تبارشناسی رهبری سیاست‌گذاری عمومی

بابک وطن‌دوست<sup>۱</sup>، علی نقی امیری<sup>۲</sup>، سیدمجتبی امامی<sup>۳</sup>، علی دیواندری<sup>۴</sup>، رضا تهرانی<sup>۵</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۰

### چکیده

رهبری سیاست‌گذاری عمومی یکی از مفاهیم ادبیات علوم سیاست‌گذاری عمومی است. قدمت این مفهوم به اندازه سایر مفاهیم عرصه سیاست‌گذاری عمومی است، اما پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه که عمدتاً مطالعات و گزارش‌های تجربی بوده‌اند، با استفاده از رشته‌ها، مفاهیم و موضوعاتی واگرا و مختلف انجام گرفته‌اند. متعاقباً این امر منجر به ایجاد رویکردهای مختلفی شده است که به برخی معانی واگرا و مختلف انجامیده است. در این پژوهش که با استفاده از روش تحلیل مضمون و به منظور معناشناسی و تبارشناسی این مفهوم انجام گرفته است، مرتبط‌ترین مطالعات این حوزه مطالعاتی برگزیده شدند و مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل مضمون حاکی از وجود سه مضمون اصلی دربردارنده معنای رهبری سیاست‌گذاری عمومی بود: (۱) هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی؛ (۲) ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف؛ (۳) ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی. در نهایت نیز تلاش شده است تا معنای رهبری سیاست‌گذاری عمومی با توجه به این سه مضمون و شرایطی که هر یک از آنها را معتبر می‌سازد، بررسی شود. همچنین امکان ترکیب این سه مضمون به صورت دویه‌دو و نیز ترکیب یکجای آنها نیز بررسی و تحلیل شده است.

**کلیدواژه‌ها:** رهبری سیاست‌گذاری عمومی، فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، تحلیل مضمون.

۱- کاندیدای دکتری مدیریت دولتی پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲- استاد دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران و نویسنده مسئول (رایانامه):

(anamiri@ut.ac.ir)

۳- استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)

۴- استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

۵- استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

## مقدمه

توجه به مسئله رهبری در علوم سیاسی، قدمت بسیار دارد و متعلق به سال‌های اخیر نیست. بررسی تاریخیچه نگارش و پژوهش در این حوزه حاکی از تلاش همیشگی حکیمان و دانشمندان برای تسهیل تصمیم‌گیری در حوزه عمومی، یافتن چگونگی و بهترین سبک برای رهبری مردم، جلب مشارکت عمومی و بسیاری موارد دیگر در حوزه حکومت و مدیریت عمومی است. از جمله آثاری که برای پرورش رهبران در حوزه سیاست نگاشته شده‌اند می‌توان به «سیروپدیا» یا همان «کوروش‌نامه» اثر گزنفون، «هنر جنگ‌آوری» اثر سان تزو و «شهریار» اثر نیکولو ماکیاولی اشاره کرد.

با نگاهی اجمالی به مطالعات حوزه علوم سیاست‌گذاری عمومی درمی‌یابیم که توجه عمده پژوهشگران این حوزه، معطوف به فرآیند و چرخه سیاست‌گذاری عمومی است، چه این عنصر را در مرکز تحلیل خود قرار دهند و چه از آن در قالب چارچوبی کمکی برای مشخص‌سازی کانون اصلی توجه در پژوهش خود استفاده کرده باشند. اما در لابه‌لای مطالعات منتشرشده در حوزه علوم سیاست‌گذاری عمومی به عبارت «رهبری سیاست‌گذاری عمومی» برمی‌خوریم که هم در مطالعات دانشگاهی و هم در گزارش‌های علمی و عملی به دفعات به کار رفته‌اند و حتی این عبارت عیناً در نقش عنوان دوره‌های آموزشی برای مقاطع تحصیلات تکمیلی در برخی دانشکده‌های برتر علوم سیاسی و مدیریت دولتی استفاده شده است.<sup>۱</sup> نکته جالبی که در همان وهله اول با مشاهده این عبارت به ذهن متبادر می‌شود، وارد کردن تحلیل‌های عامل‌محور به حوزه‌ای از علوم است که تاکنون چندان بدان پرداخته نشده بود. همچنین مشاهده روند روبه افزایش مطالعات چاپ شده در این حوزه نیز نشان از جذابیت‌های این شاخه از مطالعات سیاست‌گذاری عمومی دارد (شکل ۱).<sup>۲</sup> ارائه دوره‌های آموزشی در مقاطع تحصیلات تکمیلی که شروع آن، تقریباً به اواسط دهه ۲۰۰۰ میلادی بازمی‌گردد نیز بر انگیزه فهم چیرستی این عبارت افزوده است.

۱. تعدادی از این دوره‌های آموزشی در قالب دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در لینک‌های

زیر قابل مشاهده هستند:

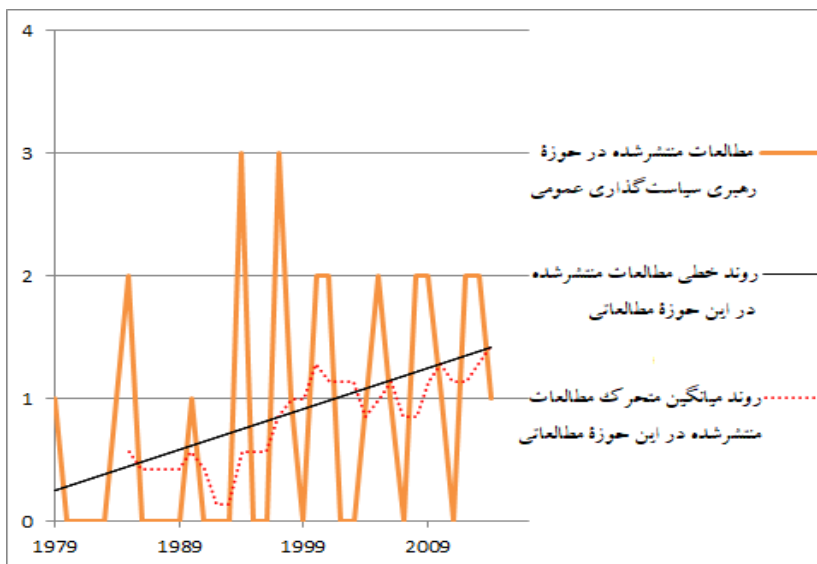
<https://mccourt.georgetown.edu/executive-master-in-policy-leadership>

<https://bastyr.edu/about/centers/health-policy-leadership>

<https://catalog.olemiss.edu/liberal-arts/public-policy-leadership/ba-pubpol-ld>

۲. در این شکل برای روندیابی علاوه بر روند خطی، از روند میانگین متحرک ((Moving Average (MA))

نیز استفاده شده است که نسبت به روند خطی، جزئیات دقیق‌تری را نشان می‌دهد و نیز فاقد جزئیات اضافه و نوسانات اضافی نمودار اصلی است.



شکل ۱. نمودار میزان مطالعات چاپ شده در حوزه مطالعات رهبری سیاست‌گذاری عمومی از ابتدا تا کنون به همراه تحلیل روند آن که حاکی از افزایشی بودن این روند است.

گرچه کاربرد این عبارت در علوم سیاست‌گذاری عمومی مربوط به قبل‌تر از اینهاست اما نخستین استفاده از آن، با هویت و مفهومی متمایز از سایر مفاهیم موجود در علوم سیاست‌گذاری عمومی به سال ۱۹۷۹ میلادی و مقاله سیرنی<sup>۱</sup> بازمی‌گردد. از آن سال تاکنون همان‌طور که در شکل ۱ نیز قابل ملاحظه است، هر از گاهی مطلبی در این خصوص به چاپ رسیده است یا مورد توجه محافل دانشگاهی و عملی قرار گرفته است. علت شکل‌گیری حوزه رهبری سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان در علاقه به این سوال‌ها دانست که چه شخص یا نهاد حقیقی یا حقوقی‌ای هدایت‌گر و خط‌دهنده اصلی سیاست‌گذاری در موردی خاص است؟ و چگونه به آن موقعیت دست یافته است؟ پاسخ به این قبیل سوال‌ها در وهله اول از دریچه فهم معنای عبارت «رهبری سیاست‌گذاری عمومی» امکان‌پذیر است. بنابراین، پژوهشگران این مطالعه سعی کرده‌اند تا از افتراق معنای موجود برای عبارت «رهبری سیاست‌گذاری عمومی» بکاهد و نوعی همگرایی به وجود آورند. برای این منظور، سوال‌هایی که این مطالعه به دنبال پاسخ به آنهاست، عبارت از: (۱) رهبری سیاست‌گذاری عمومی به چه معنایی‌ای به کار رفته است؟ (۲) آیا می‌توان سازشی میان معانی مختلف این مفهوم برقرار کرد؟ (۳) در صورت چند معنایی بودن این مفهوم، از هر یک از معانی در چه جایی و تحت چه شرایطی می‌توان استفاده کرد؟

## مبانی نظری

سیاست‌گذاری عمومی به صورت هر کاری که دولت برمی‌گزیند تا به انجام برساند یا به انجام نرساند (دای<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳: ۳) یا «اقدامات، اهداف و اظهارنظرهای رسمی دولت‌ها بر روی موضوعات خاص، گام‌هایی که برای پیاده‌سازی آنها برمی‌دارند (یا موفق نمی‌شوند که بردارند) و توضیحاتی که برای وصف آنچه روی داده است (یا روی نداده است) ارائه می‌کنند» (ویلسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱۵۴) تعریف شده است. آنچه در این گونه تعریف‌ها که بسیار هم متعدد هستند، به وضوح به چشم می‌آید، عامل اصلی و شاید بهتر بتوان گفت که تنها عامل موثر، مهم پنداشتن دولت‌هاست. با فاصله گرفتن از سیاست‌گذاری عمومی به عنوان یک مفهوم و نزدیک شدن به آن به عنوان یک رشته مطالعاتی، حوزه‌های بسیاری حول محور سیاست‌گذاری عمومی پدیدار می‌شوند (اسمیت و لاریمر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹: ۲۳-۲۱) که با دقت شدن بر روی هر یک از آنها و سوالاتی که پژوهشگران در پی پاسخ به آنها در هر کدام از این حوزه‌ها هستند، درمی‌یابیم که برخی افراد در داخل و خارج از دولت‌ها، برخی نهادها در درون سازمان دولت‌ها و نیز خارج از آنها و حتی نهادهای بین‌المللی در سیاست‌گذاری عمومی تأثیرگذار هستند و شاید در برخی از موارد نقش اول را ایفا کنند، همچون تحمیل سیاست‌های اقتصاد انقباضی از سوی صندوق بین‌المللی پول به کشورهای همچون آرژانتین و یونان در ازای اعطای وام به آنها؛ یا تعیین برخی استانداردها، شاخص‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی برای کنترل بر تراکنش‌های بانکی از قبیل استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی<sup>۴</sup> برای مبارزه با پول‌شویی - و البته جلوگیری از تأمین مالی تروریسم - که اولین بار توسط گروه هفت<sup>۵</sup> بنیان نهاده شد.

با ورود دیدگاه‌های عامل‌محور برای مشخص کردن اینکه چه کسی یا چه نهادی در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی تصمیم‌گیری می‌کند (اسمیت و لاریمر، ۲۰۰۹: ۴۹-۷۴) می‌توان نظریه‌هایی از قبیل کارآفرین سیاست‌گذاری و شبکه‌های سیاست‌گذاری را ملاحظه کرد. اما هنگامی که صاحب‌نظران علوم سیاست‌گذاری عمومی درباره فرد یا نهادی بحث می‌کنند که توأمان<sup>۶</sup> با تمرکز انظار عمومی بر روی

۱. Dye

۲. Wilson

۳. Smith & Larimer

۴. FATF

۵. G۷

۶. ذکر این قید از آن جهت اهمیت دارد که مفاهیمی همچون گروه‌های فشار نیز وجود دارند که به برجسته کردن مسئله و دستورگذاری در انظار عمومی می‌پردازد، بدین معنی که صرفاً بر یکی از این موارد تمرکز دارند.

مسئله یا شرایط مشکل‌ساز به برجسته کردن مشکل و دستورگذاری سیاست‌گذاری می‌پردازد، (۲) مجموعه‌ای از افراد، نمایندگان، ذی‌نفعان و دانشمندان مورد نیاز برای پرداختن به مسئله را گرد هم می‌آورد، (۳) میان بدیل‌ها و گزینه‌های قابل اعتماد برای اقدام توافق ایجاد می‌کند؛ و اقدام را استمرار می‌بخشد و (۴) نیروی محرک لازم را در خلال پیاده‌سازی اقدامات فراهم می‌سازد (لوک،<sup>۱</sup> ۲۰۰۰: ۵۰-۴۹)، آنگاه از ادبیات رهبری سیاست‌گذاری عمومی استفاده می‌کنند. اما رهبری سیاست‌گذاری عمومی که با اوج‌گیری ادبیات رهبری پرجاذبه و تحول‌آفرین (لوک، ۲۰۰۰: ۴۵-۴۹)، تنها در سطح فردی و برای رؤسای جمهور (توماس و سیگل‌من،<sup>۲</sup> ۱۹۸۴) و یا نمایندگان و رؤسای مجلس (و در فورد،<sup>۳</sup> ۱۹۹۴) مطرح می‌شد، با انجام پژوهش‌هایی که نقش افراد پشت صحنه را برجسته می‌ساختند (والیس و دالری،<sup>۴</sup> ۱۹۹۷)، از ادبیات رهبری پرجاذبه و تحول‌آفرین فاصله گرفت و نشان داد که بررسی این موضوع نیازمند ادبیاتی منحصر به خود است. این نیاز، زمانی بیشتر مشخص شد که بحث رهبری سیاست‌گذاری عمومی در فضای بین‌المللی و در سطح کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مطرح شدند (کوترز و لودما،<sup>۵</sup> ۲۰۰۱؛ کریستیانس،<sup>۶</sup> ۲۰۱۰؛ و ندرهیدن،<sup>۷</sup> ۲۰۱۲).

کاربرد این مفهوم در سطوح مختلف و توسط صاحب‌نظران گوناگون از انواع رشته‌های سیاسی و مدیریتی گرفته تا مهندسی و پزشکی باعث شکل‌گیری تعابیر و تعاریف مختلفی از این مفهوم شده است. برای مثال، سالیوان و همکارانش<sup>۸</sup> (۱۹۹۸) در مقاله خود به مطالعه مشارکت روان‌شناسان در فعالیت‌های سیاست‌گذاری عمومی که می‌تواند به تنظیم نظام بهداشت و اثرگذاری بر آن منجر شود، پرداخته‌اند. آنها رهبری سیاست‌گذاری عمومی را معادل هدایت‌گری سیاست‌گذاری عمومی حتی از پشت‌صحنه می‌دانند. لوی<sup>۹</sup> (۱۹۹۷) با معادل گرفتن رهبری سیاست‌گذاری عمومی با ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری‌های عمومی کشورهای مختلف و با مطالعه میزان تحقق رهبری سیاست‌گذاری عمومی اتحادیه اروپا در حوزه رسانه‌های دیجیتالی، به بررسی وضعیت تنظیم مقررات برای رسانه‌های دیجیتالی در اروپا مخصوصاً اصلاحات مقررات در اواسط دهه ۱۹۹۰ در سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان پرداخته است. از آن سو، کوترز و لودما (۲۰۰۱) در مقاله خود به بررسی مدل تجارت میان دو کشور می‌پردازند و با استفاده از تحلیل

۱. Luke  
 ۲. Thomas & Sigelman  
 ۳. Weatherford  
 ۴. Wallis & Dollery  
 ۵. Coates & Ludema  
 ۶. Christians  
 ۷. Vanderheiden  
 ۸. Sullivan, et al.  
 ۹. Levy

نظریه بازی‌ها اقدامات متقابل آنها و اثر هر اقدام بر اقدام دیگری و پیامدهای آنها را می‌سنجد. در این مقاله، از عبارت رهبری سیاست‌گذاری عمومی در معنای «پیش‌قدم شدن در تصویب داخلی یک سیاست عمومی جهانی» از سوی یک کشور بزرگ و قدرتمند برای کاهش ترس کشور مقابل از تصویب آن سیاست و عدم تصویب آن در کشور قدرتمند-رودست خوردن- استفاده شده است. هفر و کوتان<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) به مطالعه تأثیر سیاست‌های عمومی بانک مرکزی آلمان (بوندرس‌بانک) بر سایر دولت‌های اروپایی پرداخته‌اند. آنها رهبری سیاست‌گذاری عمومی را معادل با این دانسته‌اند که پیروان سیاست‌های خود را نزدیک و هم‌راستا با سیاست‌های رهبر اتخاذ کنند.

با توجه به تفاوت میان نمونه‌های ذکر شده در اینجا از معنا و منظور پژوهشگران مختلف از عبارت رهبری سیاست‌گذاری عمومی، این پژوهش با روش تحلیل مضمون بر روی مطالعات پیشین انجام گرفته است.

### روش تحقیق

در این پژوهش که با هدف درک معنا و منظور نویسندگان مختلف از به‌کارگیری عبارت «رهبری سیاست‌گذاری عمومی» انجام شده است، از آنجایی که پژوهشگران این مطالعه با یافتن الگوهای معنایی مشترک و طبقه‌بندی آنها و تلاش برای جمع‌آوری آنها و پوشش تمامی مفاهیم مطرح شده مرتبط مواجه بوده‌اند، از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است، چرا که این روش، راهبردی توصیفی است که یافتن الگوها و مفاهیم مهم را از درون مجموعه داده‌های کیفی تسهیل می‌کند (گیون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). دلیل دیگر انتخاب این روش، عدم وابستگی آن به جایگاه نظری و معرفت‌شناسی خاصی است که باعث می‌شود از آن انعطاف بالایی برخوردار باشد، لذا برای تحلیل حجم بالایی از داده‌های پیچیده و مفصل می‌توان از آن استفاده کرد (براون و کلارک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶)، چرا که این روش، مهارتی برای کاستن از حجم انبوه داده‌ها و مدیریت بر آنها بدون از دست دادن زمینه است که از آن برای سازماندهی و تلخیص داده‌ها و متمرکزسازی تفسیر استفاده می‌شود (مایلز و همکارانش<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰).

اما داده‌هایی که برای انجام تحلیل مضمون انتخاب شدند، از میان پژوهش‌ها و گزارش‌های پیشین در این خصوص جمع‌آوری شدند. روش انتخاب‌شده برای جمع‌آوری داده‌ها، با توجه به پیشرفت و تکامل فناوری موتورهای جست‌وجوی اینترنتی و نیز تکامل و افزایش قابلیت اطمینان پایگاه‌های داده‌های اینترنتی، هم‌جهت با سایر بررسی‌های نظام‌مند در حوزه‌های مختلف مطالعاتی، جست‌وجو در پایگاه‌های

۱. Hafer & Kutan

۲. Given

۳. Braun & Clarke

۴. Mills, et al.

داده‌های اینترنتی با استفاده از انتخاب کلیدواژه برگزیده شد. همچنین با توجه به محدودیت‌های موجود در زمینه زمان و هزینه بررسی‌ها و از طرفی دیگر، رعایت معیار جامعیت بررسی به‌منظور پیش‌گیری از سوگیری‌های احتمالی در زمینه انتخاب مطالعات انجام گرفته، دو پایگاه داده‌ها که بیشترین مجلات علمی و مطالعات منتشر شده در حوزه علوم سیاست‌گذاری- اِسکو<sup>۱</sup> و اِسکوپوس<sup>۲</sup> را تحت پوشش قرار می‌دادند و نیز موتور جست‌وجوی گوگل اِسکولار<sup>۳</sup> به‌خاطر گستردگی طیف جست‌وجوهایش روی تمامی پایگاه‌های داده‌ها برای پوشش مطالعاتی که احتمالاً خارج از دو پایگاه داده‌های مذکور چاپ شده‌اند، انتخاب شدند.

بسیاری از نویسندگان حوزه سیاست‌گذاری عمومی، به‌جای عبارت کامل «سیاست‌گذاری عمومی<sup>۴</sup>»، از واژه مختصرتر «سیاست‌گذاری» استفاده می‌کنند و از آنجایی که این واژه مختصر شده در رشته‌های مختلف به‌جای «سیاست<sup>۵</sup>»، «سیاسی<sup>۶</sup>»، «استراتژی<sup>۷</sup>»، «چشم‌انداز<sup>۸</sup>»، «برنامه<sup>۹</sup>» و «نقشه راه<sup>۱۰</sup>» به کار گرفته شده است، لذا مشخص بود که ممکن است جست‌وجوی اولیه با طیف مختلفی از داده‌های زاید مواجه شود. بنابراین در گام اول برای از دست رفتن برخی مطالعات، به‌جای عبارت «رهبری سیاست‌گذاری عمومی»، عبارت «رهبری سیاست‌گذاری» در پایگاه‌های داده‌های مختلف جست‌وجو شد که این تنظیمات برای این جست‌وجوها لحاظ شده بودند: زبان مطالعات «انگلیسی» تنظیم شد. مدت زمان کاملاً باز گذاشته شد. محل جست‌وجوی این عبارت در عنوان، کلیدواژه‌ها و متن تنظیم شد. نتیجه اولیه این جست‌وجو ۱۶,۲۰۰ مطالعه بود که با حذف تمامی مقاله‌هایی که میان دو واژه تشکیل‌دهنده این جست‌وجو از برخی کاراکترها غیر از «فاصله» استفاده کرده بودند، تعداد ۶۳۴ مطالعه باقی ماند. از این تعداد، تنها ۴۳ مطالعه با محور قرار دادن موضوع «رهبری سیاست‌گذاری» نگاشته شده بودند و مابقی آنها استفاده‌ای جانبی از این عبارت داشتند، بدون آنکه به معنای آن پردازند. در آخرین گام از این مرحله، با بررسی این ۴۳ مطالعه و با توجه به منظور نویسنده از واژه سیاست‌گذاری، مطالعاتی با معانی دیگری از این واژه که بیشتر ذکر شدند- مطالعاتی که در حوزه دولت‌پژوهی<sup>۱۱</sup> نبودند یا آن دسته از مطالعات حوزه دولت که اشتباهاً از این واژه

۱. EBSCO

۲. SCOPUS

۳. Google Scholar

۴. Public Policy

۵. Politics

۶. Political

۷. Strategy

۸. Vision

۹. Plan

۱۰. Roadmap

۱۱. Government Studies

استفاده کرده بودند و شایع‌ترین آنها، رهبری سیاسی بود- حذف شدند. بنابراین از تعداد ۴۳ مطالعه، ۱۳ مطالعه حذف شدند و پژوهش حاضر بر روی ۳۰ مطالعه متمرکز شد که در جدول ۱ آورده شده‌اند.

جدول ۱. مطالعات منتخب برای انجام پژوهش حاضر

نوع پژوهش	موضوع پژوهش	پژوهشگر
مقاله پژوهشی	تبیین چگونگی استفاده رئیس‌جمهور از رهبری سیاست‌گذاری خارجی برای تسهیل ورود دولت به سایر حوزه‌های اجتماعی داخل کشور	سرنی، ۱۹۷۹
مقاله پژوهشی	توسعه معیاری برای فهم موفقیت یا شکست رئیس‌جمهور در دستیابی به موقعیت رهبری سیاست‌گذاری عمومی	توماس و سیگلمن، ۱۹۸۴
مقاله پژوهشی	رهبری سیاست‌گذاری عمومی بین‌المللی توسط رئیس‌جمهور	باریلیوکس <sup>۱</sup> ، ۱۹۸۵
مقاله پژوهشی	بررسی نیاز به سیاست‌گذاری‌های عمومی ویژه برای ایالت‌ها و مناطق محلی در آمریکا	گری <sup>۲</sup> ، ۱۹۸۵
مقاله پژوهشی	تحلیل و آسیب‌شناسی از دست رفتن رهبری آمریکا در فضا طی پروژه‌های عظیم ناسا	رابرتز <sup>۳</sup> ، ۱۹۹۰
مقاله پژوهشی	رهبری سیاست‌گذاری در فضای مدیریت شهری و تحلیل روند کار مدیران شهری در گذشته و آینده	بانووتز <sup>۴</sup> ، ۱۹۹۴
مقاله پژوهشی	مطالعه تأثیر سیاست‌گذاری‌های عمومی بانک مرکزی آلمان بر بانک‌های مرکزی سایر دولت‌های اروپایی	هفر و کوتان، ۱۹۹۴
مقاله پژوهشی	مطالعه رهبری سیاست‌گذاری عمومی در آمریکا در وضعیتی که کنگره در اختیار یک حزب باشد و ریاست‌جمهوری در اختیار حزب دیگر	ودرفورد، ۱۹۹۴
مقاله پژوهشی	بررسی نسلی از جامعه آمریکا که تحت شرایط خاص آن دوران به رهبران سیاست‌گذاری تبدیل شده‌اند	دان <sup>۵</sup> ، ۱۹۹۷
مقاله پژوهشی	مطالعه میزان تحقق رهبری سیاست‌گذاری عمومی اتحادیه اروپا در حوزه رسانه‌های دیجیتالی در سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان	لوی، ۱۹۹۷

۱. Barilleaux

۲. Gerry

۳. Roberts

۴. Banovetz

۵. Dunne



نوع پژوهش	موضوع پژوهش	پژوهشگر
مقاله پژوهشی	بررسی رهبری سیاست‌گذاری عمومی راجر داگلاس وزیر امور مالی نیوزلند در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ به‌منظور نشان دادن تفاوت میان «رهبر سیاست‌گذاری» و «کارآفرین سیاست‌گذاری»	والیس و دالری، ۱۹۹۷
مقاله پژوهشی	مطالعه مشارکت روان‌شناسان در فعالیت‌های سیاست‌گذاری عمومی برای تنظیم نظام بهداشت و اثرگذاری بر آن	سالیوان و همکارانش، ۱۹۹۸
مقاله پژوهشی	مدیریت نوسانات روابط میان آمریکا و چین و رهبری سیاست‌گذاری عمومی در این دو کشور	هوانگ <sup>۱</sup> ، ۲۰۰۰
مقاله در دانشنامه	تعریف و تبیین دقیق رهبری سیاست‌گذاری عمومی	لوک، ۲۰۰۰
مقاله پژوهشی	بررسی رهبری سیاست‌گذاری عمومی با دیدگاه فلسفی فمینیستی	پالی <sup>۲</sup> ، ۲۰۰۱
مقاله پژوهشی	بررسی مدل تجارت میان دو کشور و تحلیل اقدامات و سیاست‌گذاری‌های متقابل آنها برای توضیح هنجاری رفتار رهبر سیاست‌گذاری عمومی	کوتر و لودما، ۲۰۰۱
مقاله پژوهشی	مطالعه از دست رفتن رهبری سیاست‌گذاری عمومی در بخش اجتماعی دولت فدرال کانادا پس از ۱۹۹۵	بویسمنیو و گرافه <sup>۳</sup> ، ۲۰۰۴
رساله دکتری	مطالعه ساختار سیاسی سیاست‌گذاری دفاعی آلمان	دایسون <sup>۴</sup> ، ۲۰۰۵
مقاله پژوهشی	بررسی سبک‌های رهبری به‌کار گرفته شده توسط دولت‌های مارگارت تاچر، جان میجر و تونی بلر در انگلستان برای نوسازی دولت‌های محلی - پیاده‌سازی اصول «مدیریت دولتی جدید»	والیس و دالری، ۲۰۰۵
مقاله پژوهشی	رهبری سیاست‌گذاری در حوزه اجتماعی در کانادا و کنکاش در برهم‌کنش‌های میان قدرت مصرف متداول در سطح فدرال و سایر ابزارها شامل سرمایه‌گذاری‌ها بر روی ساختاردهی، پاسخ‌گویی و تخصص	کرشاو <sup>۵</sup> ، ۲۰۰۶
مقاله پژوهشی	مطالعه رهبری سیاست‌گذاری با دیدگاه فمینیستی	کورتین <sup>۶</sup> ، ۲۰۰۸
گزارش پژوهشی	رهبری سیاست‌گذاری عمومی در حوزه اجتماعی کانادا با محور قرار دادن قدرت مصرف فدرال	تلفورد و همکارانش <sup>۷</sup> ، ۲۰۰۸

۱. Huang
۲. Palley
۳. Boismenu & Graefe
۴. Dyson
۵. Kershaw
۶. Curtin
۷. Telford et al.

پژوهشگر	موضوع پژوهش	نوع پژوهش
گلیسون <sup>۱</sup> ، ۲۰۰۹	مطالعه نقش رهبری سیاست‌گذاری در ظرفیت‌سازی سیاست‌گذاری	رساله دکتری
ودرفورد، ۲۰۰۹	مقایسه عملکرد رئیس‌جمهور آمریکا از ژنرال دوایت آیزنهاور تا بیل کلینتون در بخش اقتصاد- رهبری سیاست‌گذاری‌های اقتصادی	مقاله پژوهشی
کریستینس، ۲۰۱۰	تغییر در رهبری سیاست‌گذاری عمومی در صحنه بین‌المللی از OECD به G۲۰	مقاله پژوهشی
لینگنفلتر <sup>۲</sup> ، ۲۰۱۲	بررسی شغلی رهبری سیاست‌گذاری عمومی ایالتی در بخش برنامه‌ریزی آموزش عالی	گزارش پژوهشی
وندرهیدن، ۲۰۱۲	بررسی وضعیت پیمان کیوتو به عنوان یک سیاست‌گذاری عمومی جهانی و چشم‌انداز مبهم اجرای بندهای آن را در سایه خروج آمریکا از بند مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای و بی‌میلی این کشور در کنار چین و هند برای دستیابی به اهداف کاهش گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۲۰	مقاله پژوهشی
بیگز و پولومسکا <sup>۳</sup> ، ۲۰۱۳	مطالعه نقش دولت ملی در توسعه و نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور	گزارش پژوهشی
الرمین <sup>۴</sup> ، ۲۰۱۴	تغییر در رهبری سیاست‌گذاری عمومی در صحنه بین‌المللی با مطالعه موردی پیمان آب‌وهوایی کیوتو و تغییر در رهبری سیاست‌گذاری عمومی در حوزه آب‌وهوایی از آمریکا به اتحادیه اروپا	گزارش پژوهشی
گریوز <sup>۵</sup> ، ۲۰۱۴	بررسی رهبری سیاست‌گذاری عمومی در آموزش عالی ایالت‌های آمریکا	پایان‌نامه کارشناسی ارشد

### واژه‌شناسی و تبارشناسی رهبری سیاست‌گذاری عمومی با استفاده از روش تحلیل مضمون

به منظور شکل دادن به سلسله‌مراتب مضامین در قالب مضامین اصلی و فرعی باید ابتدا متن‌ها مورد تحلیل قرار می‌گرفتند و معانی مختلف از جای‌جای متن‌ها در کنار یکدیگر قرار داده می‌شدند تا تعبیر و تفسیر

۱. Gleeson
۲. Lingenfelter
۳. Biggs & Polomska
۴. Ellerman
۵. Graves

شوند و مضامین فرعی از دل آنها بیرون آیند و سپس این مضامین فرعی در دسته‌های بزرگتری به نام مضامین اصلی طبقه‌بندی می‌شدند. با توجه به فرآیندی که باید برای این منظور طی می‌شد، تکنیک «برش و مرتب‌سازی» (ریان و برنارد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) مناسب‌ترین تکنیک بود که در آن، قسمت‌هایی از متن پژوهش‌ها که نحوه به کار بردن این عبارت را نشان می‌دادند و دربردارنده مقصود پژوهشگران از عبارت رهبری سیاست‌گذاری عمومی بودند، برش خوردند و کد دریافت کردند. برخی از پژوهش‌ها حاوی چندین کد متنی بودند. در مجموع، تعداد ۸۲ متن توسط پژوهشگران این پژوهش کدگذاری شدند. سپس مجموعه این متن‌های کدگذاری شده توسط دو تن از پژوهشگران این پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفتند و از مرتب‌سازی و کنار هم قرار دادن کدهای مربوط به هر یک از پژوهش‌ها و از دل بحث‌های انجام گرفته، ۱۷ مضمون فرعی استخراج شد که با دسته‌بندی آنها، ۳ مضمون اصلی پدیدار شدند که تمامی ۳۰ پژوهش تحت بررسی را پوشش می‌دادند. از آنجایی که یکی از روش‌های افزایش قابلیت اعتماد در پژوهش‌های تحلیل مضمون، استفاده از چند پژوهشگر کدگذار است (نیوندورف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۱۶۱) و برای سنجش قابلیت اعتبار از شاخص‌های تعیین میزان توافق میان پژوهشگران کدگذار استفاده می‌شود (نیوندورف، ۲۰۰۲: ۱۵۰)، ضریب کاپای کوهن<sup>۳</sup> به عنوان شاخصی متداول (نیوندورف، ۲۰۰۲: ۱۵۰-۱۶۱) برای این منظور محاسبه شد که چون  $\text{Sig} < 0,01$  و  $\text{Kappa} = 0,871$  بنابراین میزان توافق قوی‌ای میان پژوهشگران وجود داشته است. جدول ۲ مربوط به محاسبه ضریب کاپا در نرم‌افزار SPSS ۱۶,۰ است.

جدول ۲. نتیجه محاسبه ضریب کاپا در نرم‌افزار SPSS ۱۶,۰

Symmetric Measures					
		Value	Asymp. Std. Error <sup>a</sup>	Approx. T <sup>b</sup>	Approx. Sig.
Measure of Agreement	Kappa	.871	.085	6.454	.000
N of Valid Cases		30			

a. Not assuming the null hypothesis.

b. Using the asymptotic standard error assuming the null hypothesis.

تحلیل مضمون متن‌ها نشان داد که بسته به سطح تحلیلی که هر یک از نویسندگان مختلف در کار خود قائل شده بودند- از سطح فردی یعنی رئیس‌جمهور و شخص متخصص گرفته تا سطوح بالاتر دولت و کشور و سازمان‌های بین‌المللی- مضمون رهبری سیاست‌گذاری عمومی تغییر می‌یافت. اما تمامی آنها

حول سه مضمون اصلی جمع می‌شدند. این سه مضمون که همگی ریشه در حساسیت نظری پژوهشگران این پژوهش داشتند (استراوس و کوربین<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۴۷-۴۱) عبارت بودند از: (۱) هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، (۲) ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف و (۳) ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف. در جدول ۳، نمونه‌هایی از متن‌های برش‌خورده و کدگذاری شده پژوهش‌های پیشین در زیرمجموعه هر یک از سه مضمون اصلی نشان داده شده است.

جدول ۳. نمونه‌هایی از متن‌های کدگذاری شده به‌همراه تحلیل مضمون آنها

شناسه مطالعه	کد متن	متن کدگذاری شده	مضمون فرعی (کد)	مضمون اصلی
سرنی، ۱۹۷۹	Ce۷۹-۱۴	ژنرال دوگل [در نقش رهبر سیاست‌گذاری عمومی] با ایجاد آگاهی ملی تلاش کرد تا در جامعه فرانسه بسیج سیاسی به وجود آورد.	مرحله دستورگذاری در چرخه سیاست‌گذاری عمومی (S۱)	هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی
توماس و سیگلن، ۱۹۸۴	TS۸۴-۴	قدرت بالای رئیس‌جمهور در متقاعدسازی عموم مردم، برگ برنده‌ای در چانه‌زنی با دیگر سطوح دولت است.	مراحل دستورگذاری (S۱) و مشروعیت بخشی (S۳) در چرخه سیاست‌گذاری عمومی	هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی
باریلیوکس، ۱۹۸۵	Ba۸۵-۸	ابتکارهای سیاست‌گذاری برای مسائل بین‌المللی-داخلی شانس برای رئیس‌جمهور برای دستیابی به موقعیت رهبری در موضوعاتی است که عمیقاً بر آینده ملت اثر می‌گذارند.	مرحله تدوین در چرخه سیاست‌گذاری عمومی (S۲)	هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی
رابرتز، ۱۹۹۰	R۹۰-۵	اگرچه در بدو تأسیس ناسا قرار بر این بود که ناسا نقش اجرای تصمیمات کنگره و کاخ سفید در امور فضایی در قالب پروژه‌های پژوهشی-کاربردی را	مرحله پیاده‌سازی در چرخه سیاست‌گذاری عمومی (S۴)	هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی

مضمون اصلی	مضمون فرعی (کد)	متن کدگذاری شده	کد متن	شناسه مطالعه
		بر عهده داشته باشد...		
هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی	اشاره به مفهوم هدایت‌گری (S۶)	مشخصه اصلی رهبران سیاست‌گذاری عمومی، نه تغییر در سیاست‌گذاری عمومی بلکه هدایت آن در مسیری خاص است.	WD۹۷-۴	والیس و داری، ۱۹۹۷
هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی	تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی (S۷)	روانشناسان دارای فرصت‌های تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری عمومی از پشت صحنه هستند.	Set۹۸-۱	سالیوان و همکارانش، ۱۹۹۸
هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی	تأثیرگذاری بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی (S۷)	...چین با تأثیرگذاری بر نمایندگان کنگره آمریکا بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی آمریکا تأثیر می‌گذارد و آمریکا هم با تأثیرگذاری بر گروه‌های مخالف و مناطق جدایی‌طلب از چین می‌تواند بر سیاست‌گذاری عمومی این کشور اثر بگذارد.	Hu۰۰-۵	هوانگ، ۲۰۰۰
هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی	اشاره به عاملیت در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی (S۸)	رهبری سیاست‌گذاری عمومی عبارت است از عمل تحریک، تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌گذاری عمومی در میان ذی‌نفعان و حوزه‌های انتخاباتی چندگانه و گوناگون.	Lu۰۰-۲	لوک، ۲۰۰۰
ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	اشاره به دلیل برتری میان سایر بازیگران (S۹)	...پیش از از دست رفتن رهبری دولت فدرال کانادا در این حوزه‌ها- سلامت، بچه‌ها و نیروی کار- تأمین مالی قوانین اجتماعی بر عهده دولت فدرال بود... دولت فدرال نقش اصلی را در سال‌های پس از جنگ جهانی در تأمین مالی تأمین	BG۰۴-۵ & BG۰۴-۸	بویسمنیو و گرانف، ۲۰۰۴

مضمون اصلی	مضمون فرعی (کد)	متن کدگذاری شده	کد متن	شناسه مطالعه
		اجتماعی کانادا بر عهده داشت...		
ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	اشاره به دلیل برتری میان سایر بازیگران (S۹) و تعیین رویه برای سایرین (S۱۰)	قدرت مصرف فدرال به قدری قوی هست که دولت‌های ایالتی و محلی را پای میز مذاکره بکشاند و اهرمی قوی در دست دولت فدرال کاناداست برای آنکه بر ترجیحات و اولویت‌بندی‌های دولت‌های ایالتی و محلی تأثیر بگذارد.	Ke۰۶-۲	کرشاو، ۲۰۰۶
ایفای نقش اصلی در میان بازیگران مختلف	بسترسازی برای جذب سایر طرف‌ها (S۱۱)	...نقش برجسته دولت ملی در فراهم‌سازی محیطی سازنده برای سرمایه‌گذاری خصوصی، هماهنگ‌سازی گفت‌وگو و تشویق کار در میان بخش‌ها و وزارت‌خانه‌های مختلف...	BP۱۳-۶	بیگز و پولومسکا، ۲۰۱۳
ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف	تقلید از سیاست‌گذاری (S۱۲)	بانک‌های مرکزی سایر کشورهای اروپایی در بلندمدت منافع کشورهای خود را فدای سیاست‌گذاری‌های عمومی بوندس بانک نمی‌کنند اما در کوتاه‌مدت، به‌خاطر ضدتورمی بودن سیاست‌گذاری‌های عمومی بوندس بانک، سیاست‌گذاری‌های عمومی خود را نزدیک و هم‌راستا با آن اتخاذ می‌کنند.	HK۹۴-۷	هفر و کوتان، ۱۹۹۴
ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف	اشاره مستقیم به همگرایی سیاست‌گذاری عمومی (S۱۳)	میزان تحقق رهبری سیاست‌گذاری عمومی اتحادیه اروپا در حوزه رسانه‌های دیجیتال در اروپا مخصوصاً اصلاحات مقررات در اواسط	Le۹۷-۲	لوی، ۱۹۹۷

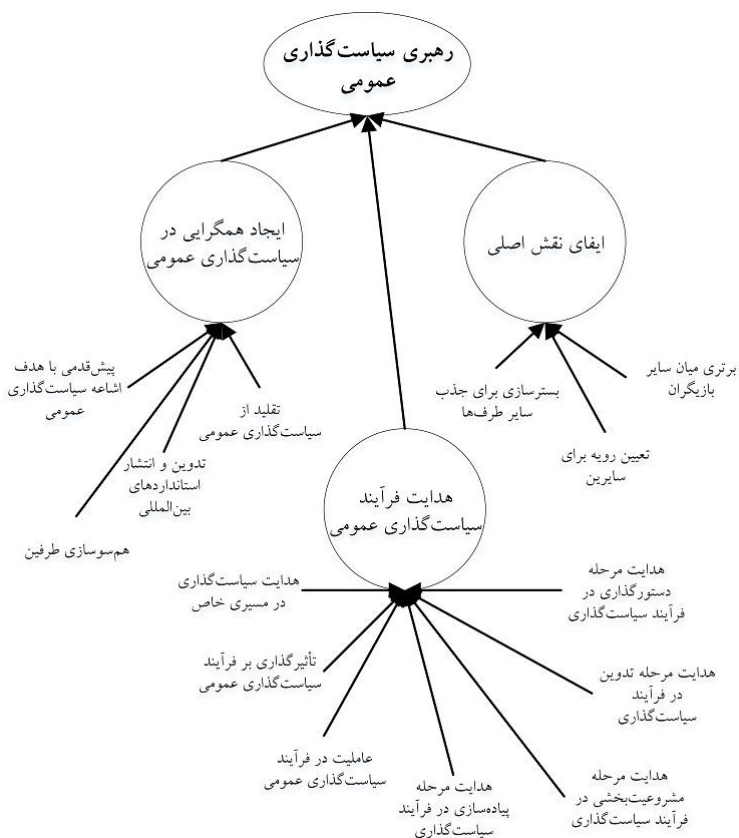
مضمون اصلی	مضمون فرعی (کد)	متن کدگذاری شده	کد متن	شناسه مطالعه
		دهه ۱۹۹۰ در سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان... علیرغم نیاز مشترک به رسانه‌های دیجیتالی، حرکت‌های بسیار محدودی در راستای هم‌گرایی سیاست‌گذاری انجام گرفته است.		
	اشاره مستقیم به معکوس همگرایی سیاست‌گذاری عمومی (S۱۴) به منظور نشان دادن شکست رهبری سیاست‌گذاری عمومی	زمانی که کار به تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌گذاری عمومی رسید، به‌خاطر شرایط سیاسی متفاوت و لایه‌های نهادی متفاوت در این سه کشور، پیامدهای سیاست‌گذاری بسیار واگرا شدند.	Le۹۷-۹	
		اوتی‌سی‌دی سالیان متمادی در جایگاه اصلی تدوین و انتشار هنجارهای سیاست‌گذاری در حوزه مالیات قرار داشته است... ظهور جی ۲۰ به‌عنوان رهبر سیاست‌گذاری اقتصادی این معماری را تغییر نداد، اما فرصتی برای کنار گذاشتن اوتی‌سی‌دی و نشستن در جایگاه آن و تعیین استانداردهای مورد توافق بین‌المللی مالیاتی است.	Ch۱۰-۷	کریستیانس، ۲۰۱۰
ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف	تدوین و انتشار استانداردهای بین‌المللی (S۱۶)	... اما رهبری جی ۲۰ برای کشورهای در حال توسعه چیز زیادی در دیالوگ سیاست‌گذاری عمومی مالیات	Ch۱۰-۹	

مضمون اصلی	مضمون فرعی (کد)	متن کدگذاری شده	کد متن	شناسه مطالعه
		جهانی دربر ندارد. جی ۲۰ نه فضای جایگزینی برای سیاست‌گذاری مناسبی فراهم کرده است و نه اصولاً خواهان چنین چیزی بوده است. نقش جی ۲۰ در پس‌زمینه سیاست‌گذاری عمومی مالیات، ایجاد توافق متقاعدکننده بر روی هنجارها و بحث‌های تدوین‌شده و پیاده‌سازی شده توسط اوئی‌سی‌دی است.		
ایجاد همگرایی در سیاست‌گذاری عمومی کشورهای مختلف	پیش‌قدمی با هدف اشاعه سیاست‌گذاری عمومی (S۱۵)	رهبری سیاست‌گذاری عمومی، توان‌تقایی اقدام به دیگر طرفین ایفاگر نقش در صحنه سیاست‌گذاری عمومی و متعاقباً تقویت این اقدام و واکنش متقابل در میان پیروان است که البته این پیروان توسط رهبر سیاست‌گذاری عمومی گردهم آمده‌اند.	Va۱۲-۲	وندرهیدن، ۲۰۱۲

### یافته‌های پژوهش

نتیجه جدول ۳ در قالب شبکه مضامین رهبری سیاست‌گذاری عمومی در شکل ۲ نمایش داده شده است. لازم به ذکر است که برخی از مضامین فرعی، در مرحله بعدی کدگذاری به عنوان نماینده طبقه‌بندی خود معرفی شدند و در جای مضامین اصلی نشستند، به همین دلیل است که تعداد مضامین فرعی در شکل، کمتر از مضامین فرعی در جدول ۳ است.





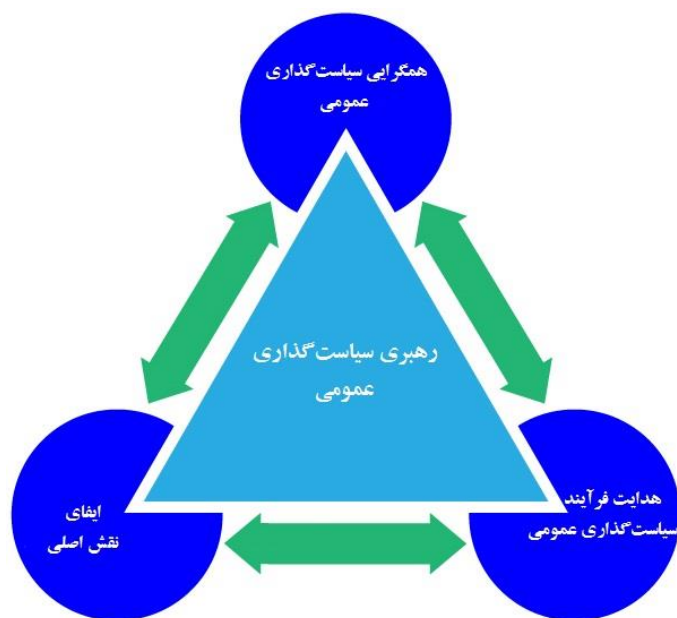
شکل ۲. شبکه مضامین رهبری سیاست‌گذاری عمومی منتج از پژوهش حاضر

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

علیرغم به‌کارگیری زیاد این عبارت در علوم سیاست‌گذاری عمومی، شاهد پراکندگی و تفاوت میان تعاریف‌ها و مضمون‌های به‌کار گرفته شده برای این عبارت هستیم. در واقع می‌توان گفت که تعریف‌ها و مضمون‌هایی که اشاره به این عبارت دارند، فاقد دقت لازم هستند. در واقع این عبارت برای توصیف طیف وسیعی از پدیده‌ها در سطوح و حوزه‌های مطالعه مختلف و نامرتب به‌کار گرفته شده است. چنین طیف وسیعی از کاربرد یک عبارت، معنایی را که بر آن بارگذاری شده است با مخاطره مواجه می‌سازد، چرا که تعریف‌های علمی باید جامع و مانع باشند. پیش‌تر، تحلیل عامل محور جایگاهی در پژوهش‌های علوم سیاست‌گذاری عمومی نداشته است به‌طوری که می‌توان چنین تحلیلی را خارج از سنت غالب پژوهش‌های این حوزه دانست. اما کاربرد روزافزون این عبارت چه در عالم دانشگاهی و چه در عالم

عمل، نیاز مفهوم‌پردازی دقیق و انجام مطالعات دانشگاهی و عملی بیشتر درباره چگونگی و فرآیندهای آن را ایجاد کرده است.

بنابراین، با توجه به خلاءهای موجود، ارائه تعریفی جامع برای این پدیده بسیار لازم به نظر می‌رسد تا از آن طریق بتوان مطالعات آینده در این حوزه را هدایت کرد. برای این منظور، از مضامین اصلی موجود در مطالعات برگزیده استفاده شده است و هر یک از این مضمون‌ها و امکان ترکیب دوبه‌دو یا یکجای آنها بررسی شده‌اند. نتیجه تحلیل مضمون این مطالعات به سه مضمون اصلی منتهی شد (شکل ۳).



شکل ۳. مضامین اصلی استخراج‌شده منتج از پژوهش حاضر

در مضمون «ایفای نقش اصلی» پیش‌فرض این است که چند بازیگر وجود دارد و رهبر سیاست‌گذاری عمومی، اصلی‌ترین بازیگری است که یا تأثیر اصلی را بر سیاست‌گذاری عمومی دارد و یا اینکه دیگر بازیگران چشم به آن دارند. در مضمون «همگرایی سیاست‌گذاری عمومی» نیز که صرفاً در عرصه بین‌المللی مطرح می‌شود، پیش‌فرض این است که برخی کشورها پذیرنده سیاست‌گذاری عمومی هستند و برخی کشورهای دیگر یا نهادهای بین‌المللی نقش الگورا برای آنها بازی می‌کنند و دیگر کشورها سیاست‌گذاری عمومی خود را نزدیک به آن سیاست‌گذاری عمومی تعیین می‌کنند. در هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی نیز تأکید عمده نویسندگان این حوزه بر این بود که داشتن نقشی مشهود اصلاً مهم

نیست. بلکه مهم این است که خط‌دهنده پشت صحنه کیست. این مضمون عمدتاً در سطح تحلیل فردی بیان شده است و به نوعی با دو مضمون دیگر که بیشتر در سطح بین‌المللی مطرح شده بودند جمع‌پذیر نیستند. بنابراین با دو سطح تعریف متفاوت مواجه هستیم که یکی از آنها با نگاه به فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، آنکه این چرخه را به حرکت درمی‌آورد، به عنوان رهبر سیاست‌گذاری عمومی معرفی می‌شود و در دیگری نیز با نگاه به طرفین، گروه‌ها، ذی‌نفعان یا کشورهای مختلف، آنکه نقش اصلی را بر عهده دارد یا الگوی دیگران قرار می‌گیرد تا به همگرایی سیاست‌گذاری عمومی منجر شود، رهبر سیاست‌گذاری عمومی معرفی شده است.

پژوهشگران این پژوهش با توجه به هم‌خوانی دو مضمون «همگرایی سیاست‌گذاری عمومی» و «ایفای نقش اصلی» به تعریف: «ایفای نقش اصلی در همگرا ساختن سیاست‌گذاری عمومی طرفین» رسیدند که با توجه به اینکه همگرایی سیاست‌گذاری عمومی نتیجه اقدامی دیگر است، این مضمون در تالی گزارة تعریف قرار گرفت و مضمون ایفای نقش اصلی در مقدم این تعریف قرار گرفت. با توجه به عدم هم‌خوانی سطح تحلیل، پس‌زمینه نظری، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مضمون هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی با دو مضمون دیگر، سایر ترکیب‌های دوتایی و نیز ترکیب سه مضمون در یک تعریف، نتیجه علمی در بر ندارد.

بنابراین در تعریف رهبری سیاست‌گذاری عمومی، هر کجا که با فرآیند سیاست‌گذاری عمومی مواجه هستیم، آن را به صورت «هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی» تعریف می‌شود و هر کجا که طرفین مختلفی وجود داشته باشند، در صورتی که همگرایی میان طرفین دارای اهمیت باشد- همچون مسئله آب و هوای جهانی در پیمان کیوتو که همچنان هم مورد مناقشه میان چندین کشور در سطح بین‌المللی است (وندرهیدن، ۲۰۱۲؛ الرمن، ۲۰۱۳)- از آنجایی که هر یک از طرفین ممکن است دارای تأثیرگذاری در نتیجه نهایی باشند، لذا رهبری سیاست‌گذاری عمومی در چنین مواردی، «ایفای نقش اصلی در همگرا ساختن سیاست‌گذاری عمومی طرفین» تعریف می‌شود. اما اگر همگرایی اهمیتی نداشته باشد- همانند موارد مناقشه میان دولت فدرال و دولت‌های محلی بر سر مسائل مدارس (گری، ۱۹۸۵)- آنگاه «ایفای نقش اصلی در سیاست‌گذاری عمومی» معادل تعریف رهبری سیاست‌گذاری عمومی خواهد بود.

مقایسه میان دو تعریف ارائه شده توسط پژوهشگران پیشین با تعریف‌های ارائه شده در این پژوهش که با استفاده از تحلیل مضمون مطالعات پیشین به دست آمده‌اند، نشان از عدم توجه تعریف‌های ارائه شده پیشین به تمامی جنبه‌های این پدیده دارد. یکی از پژوهشگران در تلاش برای تعریف این پدیده، آن را به صورت: «عمل تحریک، تدوین و پیاده‌سازی سیاست‌گذاری عمومی عمومی در میان ذی‌نفعان و

حوزه‌های انتخاباتی چندگانه و گوناگون» تعریف کرده است (لوک، ۲۰۰۰: ۴۳) که همان‌طور که مشخص است، توجه آن صرفاً به مضمون هدایت فرآیند سیاست‌گذاری عمومی است و علت مطرح کردن بحث ذی‌نفعان و حوزه‌های انتخاباتی چندگانه و گوناگون نیز اشاره به دو مضمون دیگر این پدیده نیست، بلکه اشاره به توانایی رهبر سیاست‌گذاری عمومی در جلب کردن حمایت گروه‌هایی که به وی رأی نداده بودند و افرادی است که منافع دیگری داشتند. تعریف دیگر در پژوهش‌های پیشین، این پدیده را به صورت: «رابطه‌ای مناظره‌ای میان مهارت‌های شخصی شناختی و استراتژیک با مهارت‌های سیاست‌گذاری اشخاصی که در جایگاه‌های صاحب‌اختیاری قرار گرفته‌اند که می‌توانند با پس‌زمینه‌های خاصی از زیرنظام سیاست‌گذاری و سطوح کلان سیاسی مذاکره کنند. این مهارت‌ها هم برای تطبیق با پس‌زمینه‌های ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرند یا برای شکل دادن به آنها- و منابع و محدودیت‌های نهادی و سیاسی‌ای که این پس‌زمینه‌های ساختاری فراهم می‌سازند- و هم برای مناسب‌سازی نقش‌هایش - شامل کارآفرینان سیاست‌گذاری، واسطه‌گران سیاست‌گذاری و وتوکنندگان- با این پس‌زمینه‌های متغیر استفاده می‌شوند. رهبری سیاست‌گذاری در پس‌زمینه‌هایی به‌وقوع می‌پیوندد که از حکایت‌ها و استراتژی‌های معینی نسبت به سایرین طرفداری می‌شود، اما در همان زمان، پتانسیل بازنویسی این پس‌زمینه‌ها وجود داشته باشد» توصیف می‌کند (دایسون، ۲۰۰۵: ۲۴) که در تعریفی پیچیده به متخصصی اشاره دارد که با اشخاص صاحب نفوذ و نخبگان در ارتباط است و می‌تواند با تزریق دانش و بینش خود و با کاشت ایده در ذهن این نخبگان و صاحبان نفوذ، تغییرات مدنظر در پس‌زمینه‌های استراتژیک را به وجود می‌آورد. این پژوهشگر نیز توجه خود را صرفاً بر روی مضمون هدایت‌گری فرآیند سیاست‌گذاری عمومی و موردی خاص از آن گذاشته است که رهبر سیاست‌گذاری عمومی، در نقش یک مشاور یا خط‌دهنده پشت پرده با تغییر در افکار، نظرات و ایده‌های نخبگان و افراد برجسته سیاسی‌ای که حمایت و توجه بخشی از عموم مردم را به دنبال خود دارند، مسیر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی را تعیین می‌کند.

از آنجایی که تعریف‌های مطرح‌شده به عنوان نتیجه این پژوهش، تمامی جنبه‌ها و معانی پدیده رهبری سیاست‌گذاری عمومی را دربر دارند، می‌توان از آنها برای هدایت پژوهش‌های آتی این حوزه استفاده کرد تا همان‌طور که پیشتر نیز عنوان شد، از افتراق معانی بیشتر جلوگیری شود. نظریه‌پردازی‌ها حول چگونگی شکل‌گیری این پدیده و فرآیند آن، می‌توانند به مرور درک پژوهشگران از این پدیده را به سطحی برسانند که بازنگری در تعریف‌ها و مفاهیم موجود در آنها الزامی شود و شاید در نهایت بتوان تعریفی جامع و یکپارچه برای آن ارائه داد.

- Banovetz, J. M. ۱۹۹۴. "City managers: Will they reject policy leadership?". *Public Productivity & Management Review*, pp ۳۱۳-۳۲۴.
- Barilleaux, R. J. ۱۹۸۵. "The President, Intermestic Issues, and the Risks of Policy Leadership". *Presidential Studies Quarterly*, pp ۷۵۴-۷۶۷.
- Biggs, P., & Polomska, A. ۲۰۱۳. "The importance of national policy leadership". *The global information technology report*, pp ۵۳-۶۵.
- Boismenu, G., & Graefe, P. ۲۰۰۴. "The new federal tool belt: Attempts to rebuild social policy leadership". *Canadian Public Policy/Analyse de Politiques*, pp ۷۱-۸۹.
- Braun, V. & Clarke, V. (۲۰۰۶), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. ۳, No. ۲, Pp. ۷۷-۱۰۱.
- Cerny, P. G. ۱۹۷۹. "Foreign policy leadership and national integration". *Review of International Studies*, ۵(۱), pp ۵۹-۸۵.
- Christians, A. ۲۰۱۰. "Taxation in a Time of Crisis: Policy Leadership from the OECD to the G۲۰". *Nw. JL & Soc. Pol'y*, ۵, pp ۱۹-۴۰.
- Coates, D. E., & Ludema, R. D. ۲۰۰۱. "A theory of trade policy leadership". *Journal of Development Economics*, ۶۵(۱), pp ۱-۲۹.
- Curtin, J. ۲۰۰۸. "Women, political leadership and substantive representation: The case of New Zealand". *Parliamentary Affairs*, ۶۱(۳), pp ۴۹۰-۵۰۴.
- Dunne, M. ۱۹۹۷. "Policy leadership, Gen X style". *National Civic Review*, ۸۶(۳), pp ۲۵۱-۲۶۰.
- Dye, T. R. ۲۰۱۳. *Understanding Public Policy*: Pearson New International Edition. Washington, D.C.: Pearson Higher Ed.
- Dyson, P. T. A. ۲۰۰۵. *Politics of German defence policy: Policy leadership, Bundeswehr reform and European defence and security policy*. Doctoral dissertation. London School of Economics and Political Science.
- Ellerman, D. ۲۰۱۴. "The shifting locus of global climate policy leadership". *The EU, the US and Global Climate Governance*, pp ۴۱-۵۷.
- Gerry, M. H. ۱۹۸۵. "Policy development by state and local education agencies: The context, challenge, and rewards of policy leadership". *Remedial and Special Education*, ۶(۳), pp ۹-۱۷.
- Given, L.M. (۲۰۰۸). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*, Thousand Oaks, CA, US: SAGE Publications.
- Gleeson, D. ۲۰۰۹. Developing policy leadership: a strategic approach to strengthening policy capacity in the health bureaucracy. Doctoral dissertation, La Trobe University.

- Graves, A. (۲۰۱۴). Policy Leadership in Higher Education. Doctoral dissertation, California State University.
- Hafer, R. W., & Kutan, A. M. ۱۹۹۴. "A long-run view of German dominance and the degree of policy convergence in the EMS". *Economic Inquiry*, ۳۲(۴), pp ۶۸۴-۶۹۰.
- Huang, X. ۲۰۰۰. "Managing Fluctuations in US-China Relations: world politics, national priorities, and policy leadership". *Asian Survey*, ۴۰(۲), pp ۲۶۹-۲۹۰.
- Kershaw, P. ۲۰۰۶. "Weather-vane federalism: Reconsidering federal social policy leadership". *Canadian Public Administration*, ۴۹(۲), pp ۱۹۶-۲۱۹.
- Levy, D. A. ۱۹۹۷. "Regulating digital broadcasting in Europe: The limits of policy convergence". *West European Politics*, ۲۰(۴), pp ۲۴-۴۲.
- Lingenfelter, P. E. ۲۰۱۲. "State Policy Leadership for Higher Education: A Brief Summary of the Origins and Continuing Evolution of a Profession". State Higher Education Executive Officers.
- Luke, J. S. ۲۰۰۰. "Policy leadership". *Defining Public Administration: Selections from the International Encyclopedia of Public Policy and Administration*, Editor in Chief: Jay M. Shafritz. Colorado: Westview Press. pp ۴۳-۶۴.
- Mills, A. J., Durepos, G. and Wiebe, E. (۲۰۱۰). *Encyclopedia of case study research*, Thousand Oaks, CA, US: SAGE Publications.
- Neuendorf, K. A. (۲۰۰۲). *The content analysis guidebook*, London, UK: SAGE Publications.
- Palley, M. L. ۲۰۰۱. "Women's policy leadership in the United States". PS: Political science and politics, ۳۴(۲), pp ۲۴۷-۲۵۰.
- Roberts, C. B. ۱۹۹۰. "NASA and the loss of space policy leadership". *Technology in Society*, ۱۲(۲), pp ۱۳۹-۱۵۰.
- Ryan, G. W., & Bernard, H. R. (۲۰۰۳). Techniques to identify themes. *Field methods*, 15(۱), ۸۵-۱۰۹.
- Smith, K., & Larimer, C. (۲۰۰۹). *The Public Policy Theory Primer*. Boulder. Co: Westview.
- Strauss, A., & Corbin, J. M. (۱۹۹۰). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Sage Publications, Inc.
- Sullivan, M. J., Groveman, A. M., Heldring, M. B., DeLeon, P. H., & Beauchamp, B. ۱۹۹۸. "Public policy leadership opportunities for psychologists". *Professional Psychology: Research and Practice*, ۲۹(۴), pp ۳۲۲-۳۲۷.

- Telford, H., Graefe, P., & Banting, K. ۲۰۰۸. "Defining the federal government's role in social policy: The spending power and other instruments". *IRPP Policy Matters*, ۹(۳), pp ۱۰۸-۱۲۳.
- Thomas, D., & Sigelman, L. ۱۹۸۴. "Presidential identification and policy leadership: Experimental evidence on the Reagan case". *Policy Studies Journal*, ۱۲(۴), pp ۶۶۳-۶۷۵.
- Vanderheiden, S. ۲۰۱۲. "Coaxing climate policy leadership". *Ethics & International Affairs*, ۲۶(۴), pp ۴۶۳-۴۷۹.
- Wallis, J., & Dollery, B. ۱۹۹۷. "Autonomous policy leadership: steering a policy process in the direction of a policy quest". *Governance*, ۱۰(۱), pp ۱-۲۲.
- Wallis, J., & Dollery, B. ۲۰۰۵. "The impact of alternative styles of policy leadership on the direction of local government reform". *International Journal of Social Economics*, ۳۲(۴), pp ۲۹۱-۳۰۶.
- Weatherford, M. S. ۱۹۹۴. "Responsiveness and deliberation in divided government: Presidential leadership in tax policy making". *British Journal of Political Science*, ۲۴(۱), pp ۱-۳۱.
- Weatherford, M.S., ۲۰۰۹. Comparing presidents' economic policy leadership. *Perspectives on Politics*, ۷(۳), pp. ۵۳۷-۵۶۰.
- Wilson, R. ۲۰۰۶. "Policy Analysis as Policy Advice." In *The Oxford Handbook of Public Policy*, ed. Michael Moran, Martin Rein, and Robert E. Goodin, ۱۵۲-۱۶۸. New York: Oxford University Press.